

مقاله اصلی

تدوین مدل رضایت از زندگی بر اساس انواع هوش با میانجی گری سلامت روان در دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد تنکابن

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۱/۰۹ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۸/۱۸

خلاصه

مقدمه: مطالعه حاضر با هدف تعیین رابطه بین انواع هوش (هوش عمومی، هوش هیجانی، هوش موفق، هوش معنوی، هوش اخلاقی و هوش فرهنگی) و رضایت از زندگی با میانجی گری سلامت روان در دانشجویان انجام شد.

روش کار: روش مطالعه حاضر همبستگی بود. جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه دانشجویان دانشگاه آزاد تنکابن در سال تحصیلی ۱۳۹۸-۱۳۹۹ به تعداد ۴۴۱۶ نفر بودند. نمونه این پژوهش شامل ۲۰۰ نفر از جامعه مذکور بود که با استفاده از روش نمونه گیری غیر تصادفی و در دسترس انتخاب شدند. ابزار جمع آوری داده ها شامل مقیاس رضایت از زندگی داینر و همکاران (۱۹۸۵)، آزمون هوشی عمومی نابسته به فرهنگ کتل (۱۹۴۹)، آزمون هوش هیجانی بار-آن (۱۹۹۷)، پرسشنامه هوش موفق استرنبرگ و گریگورنکو (۲۰۰۰)، پرسشنامه هوش معنوی کینگ (۲۰۰۹)، پرسشنامه هوش اخلاقی لینک و کیل (۲۰۰۵)، پرسشنامه هوش فرهنگی ارلی و آنگ (۲۰۰۳) و پرسشنامه سلامت عمومی گلدبرگ و هیلر (۱۹۷۹) بود.

نتایج: تجزیه و تحلیل داده ها با استفاده از روش مدل‌یابی معادلات ساختاری نشان داد اثر مستقیم سلامت روان بر رضایت از زندگی معنادار $0/69$ و معنادار است $(p < 0/05)$. اثر مستقیم هوش بر رضایت از زندگی $0/37$ و معنادار است $(p < 0/05)$. همچنین، بین هوش عمومی با سلامت روان رابطه معنادار وجود دارد $(p < 0/05)$.

نتیجه گیری: نتیجه این مطالعه نشان داد سلامت روان در رابطه بین هوش و رضایت از زندگی دانشجویان نقش میانجی دارد و بر این اساس، پیشنهاد می شود در محیط های آموزشی شرایطی فراهم شود تا دروس و زمینه های آموزشی پیرامون پرورش انواع هوش صورت گیرد تا موجب سلامت روان و رضایت از زندگی بیشتر در دانشجویان شود.

کلمات کلیدی: سلامت روان، هوش، رضایت از زندگی

حسین حدادی مقدم^۱

شهنام ابوالقاسمی^{۲*}

طاهر تیزدست^۳

^۱دانشجوی دکتری روانشناسی عمومی، گروه روانشناسی، واحد

تنکابن، دانشگاه آزاد اسلامی، تنکابن، ایران.

^۲دانشیار، گروه روانشناسی، واحد تنکابن، دانشگاه آزاد اسلامی،

تنکابن، ایران (نویسنده مسئول).

^۳استادیار، گروه روانشناسی، واحد تنکابن، دانشگاه آزاد

اسلامی، تنکابن، ایران.

Email: sh.abolghasemi@toniau.ac.ir

مقدمه

انسان همواره در تلاش بوده است تا کیفیت زندگی خود را ارتقا دهد و یکی از شاخص های مهم در مطالعات کیفیت زندگی، رضایت از زندگی است. این عقیده که رضایت از زندگی فرد در رشد پتانسیل، خود تحقق بخشی و برآوردن نیازها نهفته است، ریشه در نظریه انسان گرایی و روان شناسی مثبت دارد (۱). رضایت از زندگی مفهومی است شامل تصور مثبت و احساس خوشایند فرد با توجه به ارزشها، نیازها و آرزوهای خود نسبت به قلمروها و یا کیفیات گوناگون زندگی (۲). رضایت از زندگی تاثیر قابل ملاحظه ای بر چگونگی فعالیت و واکنش های فرد به حوادث زندگی دارد (۳). دانشجویانی که رضایت از زندگی بالاتری دارند عملکرد تحصیلی بهتری دارند (۴). از طرفی، دانشجویان با توجه به شرایطی که دارند، همواره در معرض عوامل تنش زا و کاهش سلامت روانی قرار دارند که اهمیت مطالعه رضایت زندگی و سلامت روان را در دانشجویان روشن می سازد. سلامت روان اغلب به عنوان فقدان نشانه های آسیب شناسی روانی تعریف شده است. مطابق این تعریف که مبتنی بر الگوی پزشکی است، افراد یا به عنوان بیمار روانی و یا دارای سلامت روانی تقسیم بندی می شوند (۵). براساس دیدگاه پیوستاری به سلامت روان، سلامتی و بیماری را باید مقوله ای نسبی دانست که افراد بسته به جایگاه شان، همزمان درجه ای از خوشی یا ناخوشی را تجربه می کنند (۶). مسئله سلامت روان در جمعیت های دانشجویی نیز از اهمیت ویژه ای برخوردار است و مطالعات بیانگر شیوع اختلالات روان شناختی در جمعیت های دانشجویی بوده اند. به عنوان مثال مطالعه سهرابی و همکاران (۲۰۱۹) (۷) شیوع اختلالات روان شناختی را در دانشجویان علوم پزشکی ۳۱ تا ۵۱ درصد گزارش کردند.

پژوهش ها نشان داده اند رضایت از زندگی با رفتارهای مرتبط با سلامت ارتباط دارد (۸،۹) و سلامت روان متأثر از رضایت زندگی است (۱۰). یکی دیگر از عوامل موثر بر رضایت از زندگی افراد، هوش^۳ است؛ به طوری نیکولاو و سالاهوجاوا^۴ (۲۰۱۶) عنوان کرده اند توانایی های شناختی نقش مهمی در مدل سازی تجربی رضایت از زندگی دارند (۱۱). مطالعه کانازاوا^۵ (۲۰۱۴) نیز نشان داد، هوش عمومی با رضایت از زندگی ارتباط مثبت دارد (۱۲). کتل^۶ در نظریه تحلیل عاملی هوش، هوش عوامل مرتبه دوم را مورد بررسی قرار داد و بر این اساس توانایی های شخص را برحسب پنج استعداد هوش سیال، متبلور، تجسم، سرعت بازیابی یا سیالی کلی و عامل سرعت شناختی طبقه بندی کرد (۱۳). هدف وی از ساخت آزمون هوش نابسته به فرهنگ^۷، سنجش هوش افراد متعلق به فرهنگ ها، زبان ها، سطوح اجتماعی، اقتصادی و تحصیلی مختلف بدون تاکید روی این عوامل بود (۱۴). امروزه علاوه بر جنبه شناختی هوش، جنبه های دیگری از آن نیز مورد بحث است که شامل هوش هیجانی، هوش موفق، هوش معنوی، هوش اخلاقی و هوش فرهنگی است. از نظر بار-آن^۸ (۱۹۹۷) هوش هیجانی^۹ قابلیت ها و مهارت های غیرشناختی می باشد که توانایی فرد را برای کسب موفقیت بر تنیدگی های زندگی افزایش می دهد؛ این توانایی ها شامل نظارت بر هیجانات و احساسات خود و دیگران و استفاده از این آنها برای هدایت فکر و عمل در زندگی می باشد (۱۵). افراد با هوش هیجانی بالا، دارای روابط انسانی و صداقت بیشتر و حداقل خشونت هستند. آنها افراد بسیار محبوبی هستند زیرا فعالیت های اجتماعی انجام می دهند. همچنین آنان دارای پیشرفت تحصیلی^{۱۰} بالاتر، توانایی حل مسئله^{۱۱} و خلاقیت^{۱۲} هستند (۱۶). در پژوهش های مختلف رابطه

7 Culture free intelligence test

8 Bar-On, R.

9 Emotional intelligence

1 Academic achievement

1 Problem solving

1 Creativity

0

1

2

1 Satisfaction with life

2 Mental health

3 Intelligence

4 Nikolaev, B., & Salahodjaev, R.

5 Kanazawa, S.

6 Cattell, R.

تفسیر کرده، هنگام مواجهه با ناسازگاری های زندگی کمتر دچار یأس شده و راحت تر با آنها کنار می آیند (۲۳). در پژوهش کائور و سینگ^۱ (۲۰۱۳) (۲۴) رابطه هوش معنوی با رضایت زندگی مورد تایید قرار گرفت و بیان شد که هوش معنوی می تواند موجب افزایش رضایت زندگی در افراد شود. یکی دیگر از انواع هوش که با رضایت از زندگی رابطه دارد، هوش اخلاقی است (۱۷). لینک و کیل^۲ (۲۰۰۵) (۲۵) عمل اخلاقی را ایجاد هماهنگی بین آنچه که به آن باور داریم و آنچه که به آن عمل می کنیم، می دانند. به عبارت دیگر انجام آنچه که می دانیم درست است و گفتن حقیقت در تمام زمانها. کسی که هوش اخلاقی^۳ بالایی دارد، به شیوه ای که با اصول و عقایدش سازگار باشد، عمل می کند. مفهوم هوش فرهنگی^۴ نیز برای نخستین بار توسط ارلی و آنک^۱ (۲۰۰۳) مطرح شد (۲۶). این دو، هوش فرهنگی را قابلیت یادگیری الگوهای جدید در تعاملات فرهنگی و ارائه پاسخ های رفتاری صحیح به این الگوها تعریف کرده اند. هوش فرهنگی به افراد کمک می کند راهبردهای مناسبی را اتخاذ کنند تا عملکرد بهتری در زندگی خود داشته باشند و این امر سازگاری رفتاری را موجب می شود (۲۷). همچنین، پژوهش ها پیرامون رابطه بین هوش و انواع آن با سلامت روان نشان داده اند سلامت روان متأثر از هوش هیجانی (۱۸)، هوش معنوی (۲۸) و هوش اخلاقی (۲۹) است. از سویی دیگر مطالعات نشان داده اند رضایت از زندگی در بین دانشجویان پایین است؛ به طوری که محققین اشاره کردند ۶۲/۷ درصد از پاسخگویان رضایت متوسط و کمی از زندگی داشتند و تنها ۳۷/۲ درصد از آن ها از زندگی خود راضی بودند. از طرف دیگر تنها در سه ماهه اول سال ۱۳۹۶ دو مورد پدیده خودکشی منجر به فوت و ۱۰ مورد ابراز تمایل و قصد جدی خودکشی در بین دانشجویان دانشگاه مازندران مشاهده شد

بین هوش هیجانی و رضایت از زندگی مورد تایید قرار گرفته است. در مطالعه ولی الهی (۲۰۱۸) (۱۷) پیرامون رابطه هوش اخلاقی و هوش هیجانی با رضایت از زندگی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی، مشخص شد بین هوش اخلاقی، هوش هیجانی و رضایت از زندگی رابطه معناداری وجود دارد. مطالعه رویز-آراند^۱ و همکاران (۲۰۱۴) (۱۸) نیز نشان داد کسانی که از هوش هیجانی بالاتری برخوردارند از استرس کمتر و رضایت از زندگی بیشتر و شادکامی بیشتر بهره می برند. یکی دیگر از انواع هوش که به نظر می رسد نقش موثری در سازگاری افراد و رضایت از زندگی آنها داشته باشد، هوش موفق است (۱۹). هوش موفق^۴ از نظر استرنبرگ و گریگورنکو^۵ (۲۰۰۰) (۲۰) مجموعه یکپارچه ای از توانایی های مورد نیاز برای موفقیت در زندگی است که فرد آن را درون بافت اجتماعی و فرهنگی خود تعریف می کند. هوش موفق ترکیبی از توانایی های تحلیلی، خلاق و عملی است که به افراد برای سازگاری، انتخاب و تغییر محیط برای رسیدن به اهداف با توجه به بافت فرهنگی- اجتماعی کمک می کند (۲۰). از سویی دیگر، هوش معنوی^۶ عبارت است از کاربرد ظرفیت ها و منابع معنوی در زمینه ها و موقعیت های عملی مانند تصمیم گیری های مهم و اندیشه در موضوعات وجودی یا تلاش در جهت حل مسائل روزانه زندگی که فرد را در جهت هماهنگی با رویدادهای محیط اطراف و دست یابی به یکپارچگی درونی و بیرونی کمک می نماید (۲۱). فرد می تواند از هوش معنوی برای چارچوب دهی و تفسیر مجدد تجارب خود بهره گیرد. این فرایند قادر است از لحاظ پدیدارشناختی به رویدادها و تجارب فرد معنا و ارزش شخصی بیشتری بدهد (۲۲). از دیدگاه نظری، افراد با هوش معنوی بالا، زندگی را با معنا و هدف مند تلقی می کنند و از آنجا که اتفاقات را در پرتو معنای کلی زندگی

1 Lennick, D., & Kiel, F. 8
1 Moral intelligence 9
2 Cultural intelligence 0
2 Earley, P. C., & Ang, S. 1

1 Ruiz- Aranda, D. 3
1 Success intelligence 4
1 Sternberg, R. J., & Grigorenko, E. L. 5
1 Spiritual intelligence 6
1 Kaur, G., & Singh, A. 7

شد. این مقیاس همبستگی مثبت با شادکامی آکسفورد و همبستگی منفی با فهرست افسردگی بک نشان داد. نتایج تحلیل عاملی تأییدی در مطالعه حاضر نشان دهنده ساختار عاملی قابل قبولی برای این پرسشنامه بود.

آزمون هوشی عمومی نابسته به فرهنگ: این آزمون غیر کلامی توسط کتل (۱۹۴۹) (۱۳) جهت اندازه‌گیری هوش سیال که عامل کلی هوش و مطابق نظر سازنده عاری از بار فرهنگی است، ساخته شد. آزمون کتل شامل سه مقیاس است و هر مقیاس دارای دو فرم (الف و ب) می‌باشد. در پژوهش حاضر از فرم الف مقیاس ۳، که مخصوص سنجش هوش گروه سنی بالاتر از ۱۴ است، استفاده شد. این مقیاس به صورت مداد و کاغذی است که آزمودنی باید یک سری روابط فضایی میان اشکال را تشخیص دهد و شامل چهار زیر مقیاس زنجیره‌ها، طبقه بندی، ماتریس‌ها، و شرطها می‌باشد. نمره گذاری آن به صورت صفر برای پاسخ غلط و یک برای پاسخ صحیح است و مجموع نمره‌های زیر مقیاس‌ها به عنوان نمره کل در نظر گرفته می‌شود. پایایی و روایی این آزمون برای استفاده در ایران در پژوهش‌های دیگر مطلوب گزارش شده است. همچنین ضریب همبستگی نمره‌های زیر مقیاس‌ها با نمره کل آزمون در حد نسبتاً مطلوب بود که به ترتیب برای زیر مقیاس‌های زنجیره‌ها، طبقه بندی، ماتریس‌ها و شرطها برابر ۰/۵۸، ۰/۵۱، ۰/۷۲، حاصل گردید. در مجموع پایایی و روایی این مقیاس در حد متوسط ارزیابی شد.

آزمون هوش هیجانی: فرم اولیه این آزمون در سال ۱۹۹۷ توسط بار-آن تهیه شد که دارای ۱۱۷ سوال و ۱۵ مقیاس بود (۱۵). امروزه این آزمون دارای ۹۰ سوال و ۱۵ مقیاس می‌باشد. پاسخ‌های آزمون نیز بر روی یک مقیاس پنج درجه‌ای در طیف لیکرت تنظیم شده است. حداکثر نمره کل آزمون ۴۵۰ و حداقل آن ۹۰ است و در هر حیطه نیز حداکثر نمره ۳۰ و حداقل نمره ۶ است. کسب نمره بالاتر در این مقیاس نشان دهنده هوش هیجانی بالاتر و کسب نمره پایین‌تر نشان دهنده هوش هیجانی

(۳۰) که گزارش‌ها اشاره به نقش رضایت از زندگی بر خودکشی دارد. این آمارها بر اهمیت موضوع بررسی رضایت از زندگی و سلامت روان در دانشجویان تأکید دارند. همچنین با توجه به اینکه توانایی‌های شناختی نقش مهمی در مدل‌سازی تجربی رضایت از زندگی دارند (۶)، هدف از انجام این پژوهش تدوین مدل رضایت از زندگی بر اساس انواع هوش (هوش عمومی، هوش هیجانی، هوش موفق، هوش معنوی، هوش اخلاقی، و هوش فرهنگی) با میانجی‌گری سلامت روان در دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد تنکابن است.

روش کار

روش مطالعه حاضر از نوع توصیفی - همبستگی بود. جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه دانشجویان دانشگاه آزاد تنکابن در سال تحصیلی ۱۳۹۸-۱۳۹۹ به تعداد ۴۴۱۶ نفر بودند. نمونه این پژوهش شامل ۲۰۰ نفر از جامعه مذکور بود که با استفاده از روش نمونه‌گیری غیر تصادفی و در دسترس انتخاب شدند. ابزار جمع‌آوری داده‌ها شامل پرسشنامه‌های استاندارد به شرح زیر بود.

مقیاس رضایت از زندگی: این مقیاس توسط داینر و همکاران (۱۹۸۵) برای همه گروه‌های سنی ساخته شد (۲). این ابزار، شامل پنج ماده است که هر ماده از کاملاً مخالفم (۱) تا کاملاً موافقم (۷) نمره گذاری می‌شود؛ به طوری که دامنه احتمالی نمره‌ها روی پرسشنامه از ۵ برای رضایت پائین از زندگی تا ۳۵ برای رضایت بالا از زندگی، متغیر است. داینر و همکاران (۲۰۰۳) پایایی این مقیاس را با روش آلفای کرونباخ برابر با ۰/۸۷ و ضریب بازآزمایی نمره‌های این مقیاس را پس از دو ماه اجرا، ۰/۸۲ اعلام کردند. بیانی و همکاران (۱۳۸۶) با انجام تحقیقی به بررسی اعتبار و روایی این مقیاس پرداختند. پایایی مقیاس رضایت از زندگی با آلفای کرونباخ ۰/۸۳ و با استفاده از روش بازآزمایی ۰/۶۹ بدست آمد. روایی سازه مقیاس رضایت از زندگی از طریق روایی همگرا با استفاده از فهرست شادکامی آکسفورد و فهرست افسردگی بک برآورد

دانشجویان دانشگاه ترنت کانادا در سال ۲۰۰۷ آلفای کرونباخ ۰/۹۵ و پایایی از طریق تصنیف ۰/۸۴ به دست آمد (کینگ، ۲۰۰۹). در پژوهش رقیب و همکاران (۱۳۸۹) (۳۴) پایایی این مقیاس با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۸ برآورد شد. روایی صوری و محتوایی مقیاس توسط متخصصان روانشناسی مورد تایید قرار گرفت. برای برآورد روایی همگرایی از پرسشنامه تجربه معنوی غباری بناب به طور همزمان استفاده شد که ضرایب همبستگی این دو پرسشنامه ۰/۶۶ به دست آمد. برای محاسبه روایی سازه مقیاس از تحلیل عامل اکتشافی و تحلیل عامل تاییدی مرتبه اول استفاده شد. نتیجه های به دست آمده نشان داد که این مقیاس ابزاری پایا برای سنجش هوش معنوی است و می توان آن در محیطهای آموزشی و پژوهشی مانند دانشگاه استفاده نمود (۳۴). نتایج تحلیل عاملی تاییدی در مطالعه حاضر نشان دهنده ساختار عاملی قابل قبولی برای این پرسشنامه بود.

پرسشنامه هوش اخلاقی: این ابزار توسط لینک و کیل (۲۰۰۵) (۲۵) و در قالب ۴۰ سؤال ارائه شد. این سؤالات به صورت مساوی بین ۱۰ بعد شایستگی از هوش اخلاقی شامل انسجام، صداقت، شجاعت، رازداری، پاسخگویی، خودکنترلی و خودمحدودسازی، خدمت به دیگران، مهربانی، رفتار شهروندی و درک نیازهای روحی خود تقسیم شده و هر شایستگی دارای چهار سؤال می باشد. همچنین این ۱۰ شایستگی به چهار دسته کلی تحت عنوان ابعاد کلی هوش اخلاقی شامل درستکاری، مسئولیت پذیری، بخشش و دلسوزی تقسیم می شوند. پاسخ دهندگان به هر سؤال، بر روی طیف پنج درجه ای لیکرت از هرگز (۱) تا تمام اوقات (۵) پاسخ می دهند. بر این اساس، هر پاسخ دهنده در هر یک از ابعاد شایستگی هوش اخلاقی، امتیازی بین ۴ تا ۲۰ و در مجموع در کل ۴۰ سوال امتیازی بین ۲۰۰-۴۰ کسب می کند. روایی پرسشنامه در پژوهش بهرامی و همکاران (۱۳۹۱) (۳۵) بررسی و تأیید شده است و پایایی آن با روش ضریب آلفای کرونباخ

پایین تر می باشد. در مطالعه ای که توسط بار-آن (۱۹۹۷) (۱۵) بر روی ۳۸۳۱ نفر از شش کشور آرژانتین، آلمان، هند، نیجریه و آفریقای جنوبی انجام شد و ۴۸/۸ درصد آنان مرد و ۵۱/۲ درصد آنان زن بودند، این مقیاس به طور سیستماتیک هنجاریابی گردید و نتایج نشان داد که آزمون از حد مناسبی از اعتبار و روایی برخوردار است. اعتبار و روایی این آزمون در ایران در دانشگاه اصفهان و خوراسگان انجام و مورد تأیید واقع شد و پایایی آن با روش آلفای کرونباخ ۰/۹۳ محاسبه گردید. نتایج تحلیل عاملی تاییدی در مطالعه حاضر نشان دهنده ساختار عاملی قابل قبولی برای این پرسشنامه بود.

پرسشنامه هوش موفق: این ابزار توسط استرنبرگ و گریگورنکو (۲۰۰۰) (۲۰) طراحی شد و شامل ۳۶ سوال است که سه بعد هوش تحلیلی (سوالهای ۱-۱۲)، هوش خلاق (سوالات ۱۳-۲۴) و هوش عملی (سوالات ۲۵-۳۶) را مورد ارزیابی قرار می دهد. افراد روی یک مقیاس پنج درجه ای از ضعیف (۱) تا عالی (۵) به سوالات این مقیاس پاسخ می دهند. حداکثر نمره در این آزمون ۱۸۰ و حداقل نمره ۳۶ نمره است که یک نمره کل به دست می آید و بیانگر میزان هوش موفق فرد است. استرنبرگ پایایی زیر مقیاس ها را ۰/۸۲، ۰/۶۸، ۰/۷۱ و پایایی کل را ۰/۷۴ گزارش کردند (۲۰). در پژوهش اسماعیل نیا و همکاران (۱۳۹۸) (۳۳) پایایی این ابزار براساس آلفای کرونباخ در گروه دختران ۰/۸۸۳ و در گروه پسران ۰/۸۸۷ به دست آمد. نتایج تحلیل عاملی تاییدی در مطالعه حاضر نشان دهنده ساختار عاملی قابل قبولی برای این پرسشنامه بود.

پرسشنامه هوش معنوی: این پرسشنامه که توسط کینگ (۲۰۰۹) ساخته شد (۲۱)، دارای ۲۴ آیتم می باشد. این پرسشنامه براساس مقیاس پنج گزینه ای لیکرت از کاملاً مخالف (۰) تا کاملاً موافق (۴) نمره گذاری می شود. نمرات بالاتر نشان دهنده هوش معنوی بالا و یا وجود چنین ظرفیتی است و کسب نمره پایین تر نشان دهنده هوش معنوی پایین تر می باشد. با استفاده از تحلیل عاملی اکتشافی در یک نمونه ۶۱۹ نفری از

اجتماعی و افسردگی است که هر حیطه از هفت سوال و کل پرسشنامه از ۲۸ سوال تشکیل شده است. برای نمره گذاری سوالات از مقیاس لیکرت چهار درجه ای از خیر اصلا (۰) تا بله اکثر اوقات (۳) استفاده شد. مجموع نمرات زیرمقیاس ها نمره کل سلامت عمومی را نشان می دهد. در این پرسشنامه نمره بالاتر به منزله سلامت عمومی کمتر است. در بررسی گلدبرگ ضریب پایایی دو نیمه کردن برای کل پرسشنامه ۰/۹۵ گزارش شده است. در مطالعه تقوی (۱۳۸۰) (۳۸) پایایی پرسشنامه مزبور از سه روش دوباره سنجی، تصنیفی و آلفای کرونباخ بررسی گردید که به ترتیب ضرائب اعتبار ۰/۷۰، ۰/۹۳ و ۰/۹۰ حاصل گردید. برای مطالعه روایی پرسشنامه سلامت عمومی از سه روش همزمان، همبستگی خرده آزمون های این پرسشنامه با نمره کل و تحلیل عوامل استفاده شد. روایی همزمان پرسشنامه سلامت عمومی از طریق اجرای همزمان با پرسشنامه بیمارستان میدلسکس^۳ انجام شد که ضریب همبستگی ۰/۵۵ حاصل آن بود. ضرائب همبستگی بین خرده آزمون های این پرسشنامه با نمره کل در حد رضایت بخش و بین ۰/۷۲ تا ۰/۸۷ متغیر بود. نتیجه تحلیل عوامل با استفاده از روش چرخشی واریماکس، بیانگر وجود عوامل افسردگی، اضطراب، اختلال در کارکرد اجتماعی و علایم جسمانی در این پرسشنامه بود. در مطالعه طباطبایی و رسولی (۱۳۹۷) (۳۹) نتایج حاصل از تحلیل عاملی فرم ۶۰ سوالی نشان داد که این پرسشنامه از پنج زیر مقیاس عملکرد اجتماعی، افسردگی، نشانگان جسمانی، اضطراب و اختلال خواب و سلامت کلی تشکیل شده است. همچنین، مقدار ضریب آلفای کرونباخ پرسشنامه ۰/۹۶ و این ضریب برای زیر مقیاس های مختلف پرسشنامه در گستره ۰/۹۶ تا ۰/۷۳ بدست آمد. نتایج تحلیل عاملی تأییدی در مطالعه حاضر نشان دهنده ساختار عاملی قابل قبولی برای این پرسشنامه بود. در پژوهش حاضر به منظور تحلیل داده ها از روش مدل یابی معادلات ساختاری با استفاده از نرم افزار لیزرل استفاده شد.

برابر با ۰/۸۳ گزارش شده است. نتایج تحلیل عاملی تأییدی در مطالعه حاضر نشان دهنده ساختار عاملی قابل قبولی برای این پرسشنامه بود.

پرسشنامه هوش فرهنگی: این پرسشنامه توسط ارلی و آنگک (۲۰۰۳) (۲۶) در ۲۰ آیتم طراحی شده است که دارای چهار زیر مقیاس می باشد. چهار عبارت اول این پرسشنامه مربوط به عامل راهبردی یا فراشناختی هوش فرهنگی است. از عبارت ۵ تا ۱۰ مربوط به عامل دانشی یا شناختی هوش فرهنگی است. عبارت ۱۱ تا ۱۵ مربوط به عامل انگیزشی هوش فرهنگی و عبارات ۱۶ تا ۲۰ مربوط به عامل رفتاری هوش فرهنگی است. پاسخ به عبارات این پرسشنامه به صورت هفت گزینه ای است که از کاملاً مخالف (۱) تا کاملاً موافق (۷) طرح شده است. امتیازهای عبارات با هم جمع می شود و توانایی افراد را در برقراری ارتباط بهتر در فرهنگی متفاوت می سنجد. کسب نمره بالاتر در این پرسشنامه نشان دهنده هوش فرهنگی بالاتر است. روایی صوری و محتوایی سوالات توسط متخصصین روانسنجی تأیید شده است. ضرائب پایایی کل این ابزار در پژوهش ارلی و آنگک (۲۰۰۳) در عامل فراشناختی ۰/۷۶، شناختی ۰/۸۴، انگیزش ۰/۷۶ و رفتار ۰/۸۳ محاسبه شده است. در پژوهش کاظمی (۱۳۸۷) (۳۶) پایایی این پرسشنامه با استفاده از آلفای کرونباخ ۰/۸۶ گزارش شده است. نتایج تحلیل عاملی تأییدی در مطالعه حاضر نشان دهنده ساختار عاملی قابل قبولی برای این پرسشنامه بود.

پرسشنامه سلامت عمومی: این پرسشنامه توسط گلدبرگ و هیلر^۲ (۱۹۷۹) (۳۷) ساخته شد که در مجموعه های بالینی با هدف ردیابی کسانی که دارای اختلال روانی هستند، مورد استفاده قرار می گیرد. فرم ۲۸ سوالی این پرسشنامه برای تمامی افراد قابل اجرا است. این پرسشنامه دارای چهار زیرمقیاس نشانه های بدنی، اضطراب و بی خوابی، نارساکنش وری

نتایج

جدول ۱ شامل آمار توصیفی برای متغیرهای به کار رفته در این پژوهش است.

جدول ۱. آمار توصیفی متغیرهای تحقیق

متغیر	میانگین	انحراف معیار	واریانس	چولگی	کشیدگی
هوش عمومی	۲/۸۰	۰/۵۱	۰/۲۵۷	-۰/۲۴۸	-۰/۲۳۷
هوش هیجانی	۳/۰۱	۰/۴۵	۰/۲۰۰	-۰/۳۰۱	-۰/۰۴۳
هوش موفق	۲/۶۹	۰/۵۰	۰/۲۵۳	-۰/۱۰۴	-۰/۳۵۲
هوش فرهنگی	۲/۶۳	۰/۶۰	۰/۳۶۵	-۰/۰۴۹	-۰/۵۶۳
هوش اخلاقی	۳/۹۸	۰/۶۹	۰/۴۹۰	۰/۳۲۸	۰/۲۱۱
سلامت عمومی	۲/۹۸	۰/۵۲	۰/۲۶۷	-۰/۲۷۴	-۰/۳۰۰
رضایت زندگی	۱/۰۴	۰/۶۷	۰/۴۴۶	۰/۴۷۴	-۰/۱۱۹

بر اساس نتایج جدول ۱ مشاهده می‌گردد که هوش هیجانی دارای بالاترین میانگین و متغیر رضایت از زندگی دارای بالاترین واریانس می‌باشد. با توجه به ضرایب چولگی و

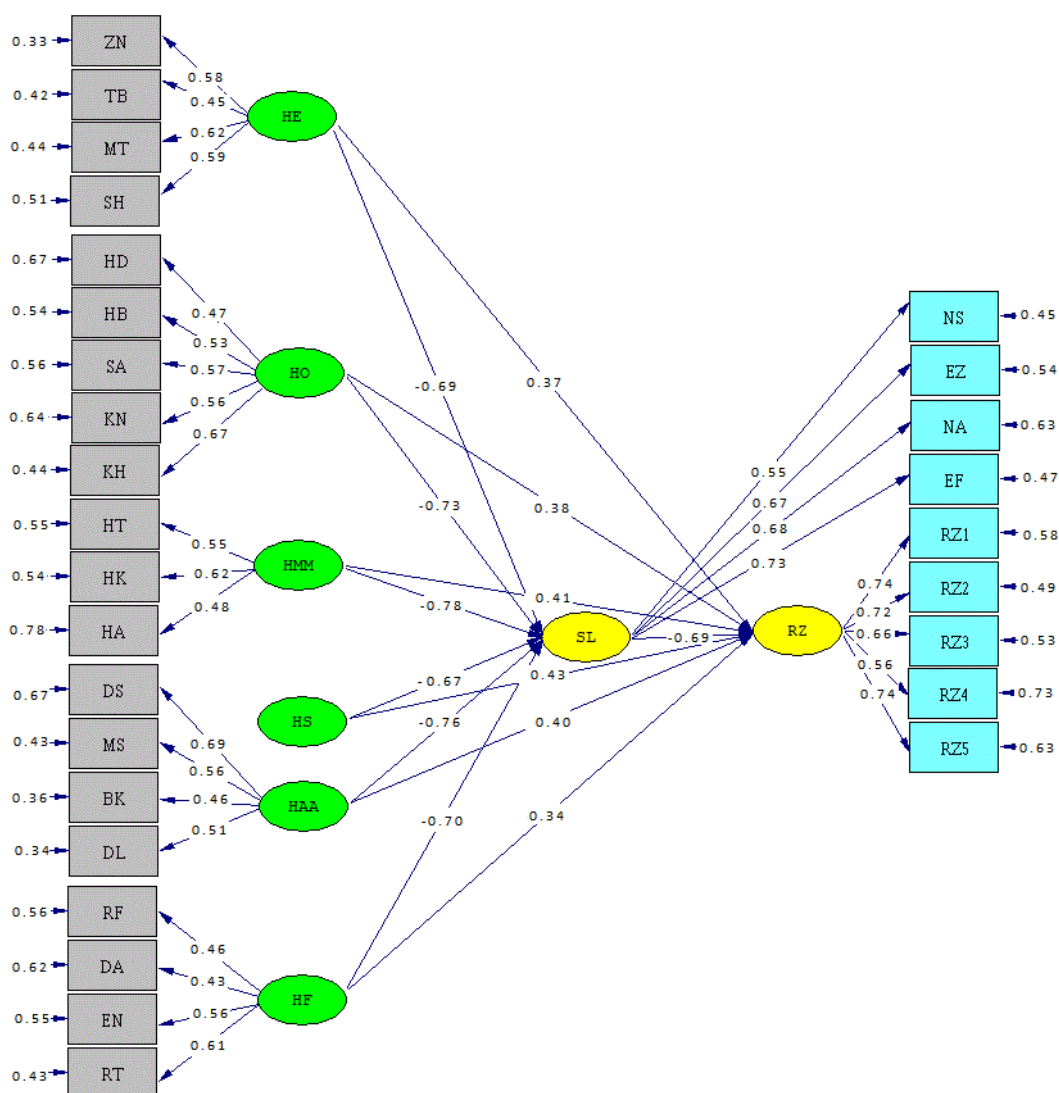
کشیدگی، چون کلیه ضرایب چولگی بین -۳ و ۳ و کلیه ضرایب کشیدگی بین ۵- و ۵ هستند شرط لازم جهت نرمال بودن داده‌ها وجود دارد.

جدول ۲. ضریب همبستگی مؤلفه‌های متغیر هوش و رضایت از زندگی با میانجی‌گری سلامت روان

متغیر	رضایت زندگی	سلامت روان
هوش عمومی	۰/۶۹۸	-۰/۳۳۷
هوش هیجانی	۰/۷۴۳	-۰/۳۸۷
هوش موفق	۰/۷۸۹	-۰/۴۲۱
هوش معنوی	۰/۶۷۹	-۰/۴۴۳
هوش اخلاقی	۰/۴۰۲	-۰/۷۶۶
هوش فرهنگی	۰/۷۶۸	-۰/۳۴۵

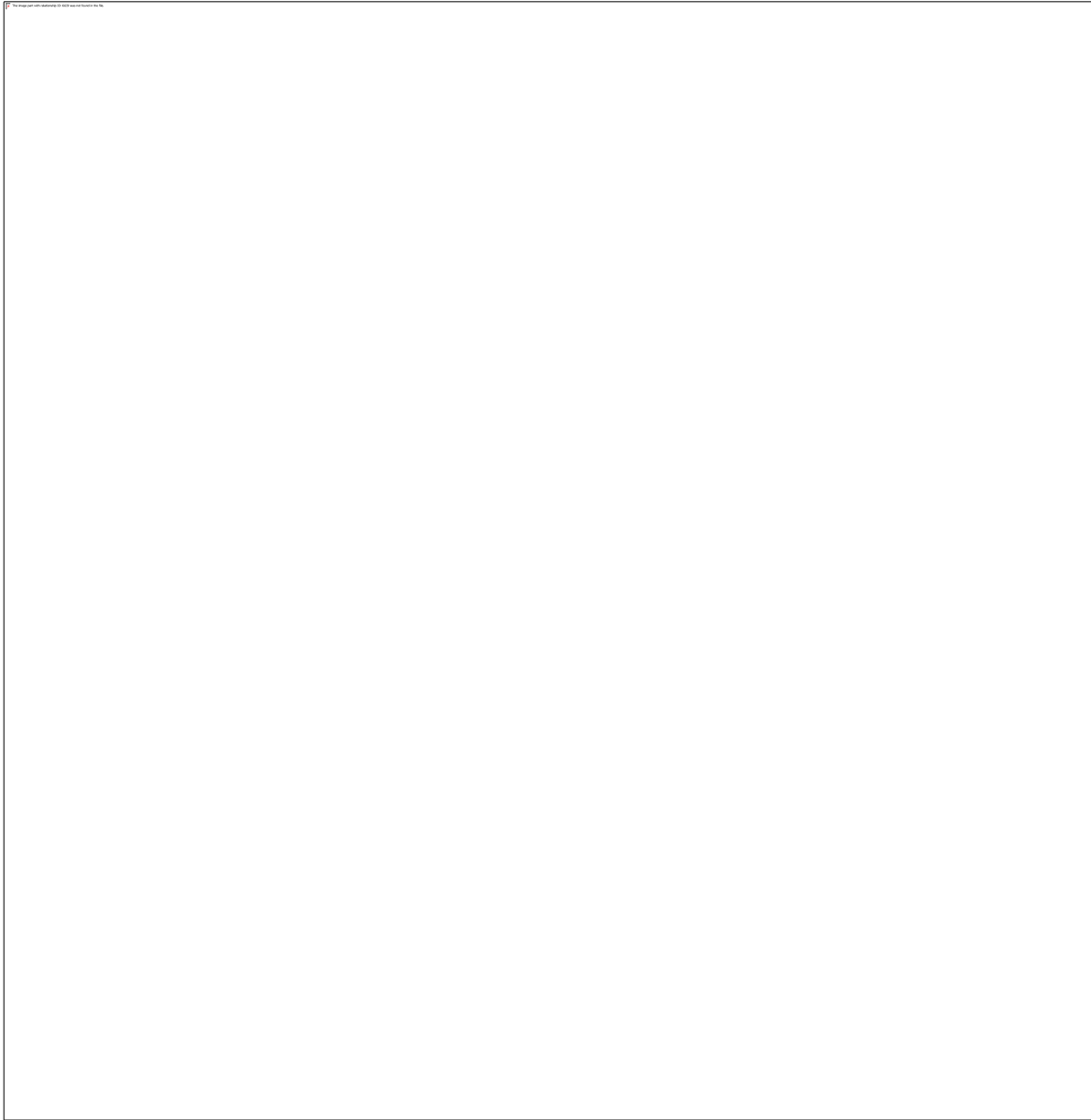
در پژوهش حاضر به بررسی این هدف پرداخته شده که آیا بین انواع هوش (هوش عمومی، هوش هیجانی، هوش موفق، هوش معنوی، هوش اخلاقی و هوش فرهنگی) و رضایت از زندگی با میانجی‌گری سلامت روان در دانشجویان، رابطه وجود دارد.

مدل معادلات ساختاری نهایی برای سنجش رابطه بین انواع هوش و رضایت از زندگی با میانجی‌گری سلامت روان استفاده شده است. مدل فرضیه پژوهش در نمودار ۱ و ۲ ارائه شده است.



Chi-Square= 228.31, df=95, P-value=0.00000, RMSEA=0.014

نمودار ۱. نتایج تائید مدل معادلات ساختاری فرضیه پژوهش



نمودار ۲. آماره t-value نتایج تائید مدل معادلات ساختاری فرضیه پژوهش

سایر شاخص‌های نیکویی برازش نیز در بازه مورد قبول قرار گرفته‌اند که در جدول ۳ آمده است.

از آنجا که شاخص ریشه میانگین مجذورات تقریباً^{۲۴} برابر ۰/۰۱۴ است، مدل از برازندگی خوبی برخوردار می‌باشد.

جدول ۳. شاخص‌های نیکوئی برآزش مدل ساختاری فرضیه پژوهش

IFI	NNFI	NFI	AGFI	GFI	RMSEA	شاخص برآزندگی
۰-۱	>۰/۹	>۰/۹	>۰/۹	>۰/۹	<۰/۱	مقادیر قابل قبول
۰/۹۳	۰/۹۸	۰/۹۲	۰/۹۱	۰/۹۵	۰/۰۱۴	مقادیر محاسبه شده

اخلاقی با رضایت زندگی ۰/۴۰ می باشد. اثر غیر مستقیم در صورت وجود متغیر میانجی سلامت روان عبارت است از ۰/۵۲۴. با توجه به کمتر بودن اثر مسیر مستقیم از مسیرهای غیرمستقیم، وجود متغیر میانجی سلامت روان تاثیر را افزایش می دهد و نقش میانجی سلامت روان در فرضیه حاضر مورد تایید واقع می شود. اثر برابر اثر مستقیم هوش فرهنگی با رضایت زندگی ۰/۴۰ می باشد. اثر غیر مستقیم در صورت وجود متغیر میانجی سلامت روان عبارت است از ۰/۴۸۳. با توجه به کمتر بودن اثر مسیر مستقیم از مسیرهای غیرمستقیم، وجود متغیر میانجی سلامت روان تاثیر را افزایش می دهد و نقش میانجی سلامت روان در فرضیه حاضر مورد تایید واقع می شود. در نتیجه، فرضیه پژوهش مبنی بر اینکه بین انواع هوش (هوش عمومی، هوش هیجانی، هوش موفق، هوش معنوی، هوش اخلاقی و هوش فرهنگی) با رضایت از زندگی با میانجی گری سلامت روان در دانشجویان، رابطه وجود دارد، تایید می شود.

بحث و نتیجه گیری

مطالعه حاضر با هدف تعیین رابطه بین انواع هوش (هوش عمومی، هوش هیجانی، هوش موفق، هوش معنوی، هوش اخلاقی و هوش فرهنگی) و رضایت از زندگی با میانجی گری سلامت روان در دانشجویان انجام شد. یافته های این مطالعه نشان داد اثر مستقیم سلامت روان بر رضایت از زندگی ۰/۶۹ و معنادار است و بین سلامت روان و رضایت از زندگی رابطه وجود دارد. این یافته همسو با مطالعه چیس (۲۰۱۸) و ژانگ و همکاران (۲۰۱۸) بود که نشان دادند رضایت از زندگی با رفتارهای مرتبط با سلامت ارتباط دارد (۸،۹). این یافته همچنین در راستای مطالعه رضائی و همکاران (۱۳۹۴) بود مبنی بر اینکه سلامت روان متأثر از رضایت زندگی

به منظور بررسی اثر میانجی سلامت روان در فرضیه مورد بحث، بایستی اثر مستقیم دو سازه را با اثر غیر مستقیم در حالت دخیل ساختن متغیر میانجی سلامت روان مورد بررسی قرار داد تا در صورت افزایش اثر بتوان اثر میانجی سلامت روان را قابل قبول دانست. در فرضیه حاضر اثر برابر اثر مستقیم هوش عمومی با رضایت زندگی ۰/۳۷ می باشد. اثر غیر مستقیم در صورت وجود متغیر میانجی سلامت روان عبارت است از ۰/۴۷۶. با توجه به کمتر بودن اثر مسیر مستقیم از مسیرهای غیرمستقیم، وجود متغیر میانجی سلامت روان تاثیر را افزایش می دهد و نقش میانجی سلامت روان در فرضیه حاضر مورد تایید واقع می شود. اثر برابر اثر مستقیم هوش هیجانی با رضایت زندگی ۰/۳۸ می باشد. اثر غیر مستقیم در صورت وجود متغیر میانجی سلامت روان عبارت است از ۰/۵۰۳. با توجه به کمتر بودن اثر مسیر مستقیم از مسیرهای غیرمستقیم، وجود متغیر میانجی سلامت روان تاثیر را افزایش می دهد و نقش میانجی سلامت روان در فرضیه حاضر مورد تایید واقع می شود. اثر برابر اثر مستقیم هوش موفق با رضایت زندگی ۰/۴۱ می باشد. اثر غیر مستقیم در صورت وجود متغیر میانجی سلامت روان عبارت است از ۰/۵۳۸. با توجه به کمتر بودن اثر مسیر مستقیم از مسیرهای غیرمستقیم، وجود متغیر میانجی سلامت روان تاثیر را افزایش می دهد و نقش میانجی سلامت روان در فرضیه حاضر مورد تایید واقع می شود. در نتیجه، فرضیه پژوهش مبنی بر اینکه بین انواع هوش (هوش عمومی، هوش هیجانی، هوش موفق، هوش معنوی، هوش اخلاقی و هوش فرهنگی) با رضایت از زندگی با میانجی گری سلامت روان در دانشجویان، رابطه وجود دارد، تایید می شود.

است (۱۰). در تبیین این یافته می توان گفت مفهوم سلامت روان در واقع جنبه ای از مفهوم کلی سلامتی است. این متغیر به عنوان عامل خطری برای انواع استرس های عاطفی مطرح می شود؛ به طوریکه کاهش آن عواقب متعددی از جمله اضطراب، افسردگی، اختلالات جسمانی و روانی، اختلالات خواب، بی قراری، کاهش رضایت از زندگی و تحریک پذیری، فراموشی، خستگی مزمن را به دنبال دارد. همچنین رضایت از زندگی یکی از شاخص های سلامت روانی است و همبستگی بالایی با احساس خوشبختی، اعتماد متقابل و احساس تعهد با جامعه دارد و نشانه نگرش فرد به خود و جهان پیرامونی است. سطوح بالای رضایت از زندگی می تواند به عنوان یک عامل حفاظتی در مقابل مشکلات درونی سازی شده و برونی سازی شده، مشکلات رفتاری و هیجانی و روابط بین فردی مشکل دار عمل کند و سلامت روان فرد را در پی داشته باشد. یافته های این مطالعه همچنین نشان داد اثر مستقیم هوش عمومی بر رضایت زندگی ۰/۳۷ و معنادار است؛ بنابراین بین هوش و رضایت از زندگی رابطه وجود دارد. این یافته در راستای مطالعه نیکولاو و سالاهوجا (۲۰۱۶) و کاناوا (۲۰۱۴) بود که نشان دادند توانایی های شناختی نقش مهمی در مدل سازی تجربی رضایت از زندگی دارند و هوش عمومی با رضایت از زندگی ارتباط مثبت دارد (۱۱، ۱۲). در تبیین این یافته می توان گفت هوش شامل دریافت سریع، درک خوب، توانایی حل مسئله و درک سریع مفاهیم، استعداد فراگیری از تجربه های پیشین است. برخی دیگر هوش عمومی را توانایی یادگیری، فهم و تفکر درباره امور مختلف به روش منطقی و توانایی انجام کارها را به روش مطلوب می دانند. به عبارت دیگر، مجموعه ای از توانایی های شناختی که به ما اجازه می دهند تا نسبت به جهان اطرافمان آگاهی پیدا کنیم، یاد بگیریم و مسائل را حل کنیم که در این صورت افزایش توانایی حل مسائل زندگی باعث احساس رضایت از زندگی در افراد می شود. یافته های این مطالعه نشان داد اثر مستقیم هوش هیجانی بر رضایت زندگی ۰/۳۸ و معنادار است. این یافته همسو با مطالعه ولی الهی (۲۰۱۸) بود که نشان داد بین هوش هیجانی و رضایت از زندگی

رابطه معناداری وجود دارد (۱۷). در مطالعه مشابهی رویز-آراندا و همکاران (۲۰۱۴) نیز نشان دادند کسانی که از هوش هیجانی بالاتری برخوردارند از رضایت از زندگی بیشتر بهره می برند (۱۸). در تبیین این یافته می توان گفت هوش هیجانی با شناخت فرد از خود و دیگران، ارتباط با دیگران، سازگاری و انطباق با محیط پیرامون که برای موفق شدن در برآوردن خواست های اجتماعی لازم است، ارتباط دارد و یک توانمندی تاکتیکی در عملکرد فردی محسوب می شود. هوش هیجانی پیش بینی موفقیت را ممکن می سازد، زیرا نشان می دهد که چگونه فرد بلافاصله دانش خود را در موقعیت های مختلف به کار می گیرد. افراد با هوش هیجانی مناسب می توانند به واسطه تعاملات رضایتبخش تر با دیگران، در زندگی موفق باشند. افرادی که از هوش هیجانی بالایی برخوردار هستند، می توانند از تمام ظرفیت های وجودی خود استفاده نمایند و محدودیت را به فرصت تبدیل نمایند. یقیناً این افراد شخصیت های مثبتی بوده و در زندگی و موقعیت های شغلی صاحب موفقیت هایی خواهند بود که بر سلامت جسمانی، رضایت از زندگی و روان شناختی و کیفیت کار آن ها تأثیر خواهد داشت. یافته های این مطالعه نشان داد اثر مستقیم هوش موفق بر رضایت زندگی ۰/۴۱ و معنادار است. این یافته همسو با مطالعه روشن ضمیرنیکو و آزادعبداله پور (۱۳۹۶) بود که نشان دادند هوش موفق نقش موثری در سازگاری افراد و رضایت از زندگی آنها دارد (۱۹). در تبیین این یافته می توان گفت هوش موفق به عنوان توانایی کسب موفقیت در زندگی مبتنی بر اهداف شخصی در بافت فرهنگی- اجتماعی تعریف شده است. براساس این چشم انداز، داشتن هوش موفق به معنای داشتن توانایی انطباق، شکل دهی و انتخاب محیط های مناسب برای کسب اهداف فرهنگی- اجتماعی و شخصی است. برای رسیدن به موفقیت شخص باید توانایی شناسایی نقاط قوت به منظور تکیه بر آنها و شناسایی نقطه ضعف خود، به منظور پیدا کردن روش های مهار، جبران یا اصلاح آن را داشته باشد، که به نوبه خود باعث ایجاد رضایت از زندگی در فرد می شود. یافته های این مطالعه نشان داد اثر مستقیم هوش معنوی بر

می‌دانند. هوش فرهنگی، بر قابلیت‌های خاصی تمرکز دارد که برای روابط شخصی با کیفیت و اثربخش در شرایط فرهنگی مختلف لازم‌اند. هوش فرهنگی بینش‌های فردی را در برمی‌گیرد که برای انطباق با موقعیت‌ها و تعاملات میان فرهنگی و حضور موفق در گروه‌های کاری چندفرهنگی مفیدند که در نتیجه این موفقیت احساس رضایت در فرد ایجاد می‌شود.

یافته‌های این مطالعه همچنین بیانگر رابطه بین هوش و سلامت روان بود و مطالعه رویز-آراندا و همکاران (۲۰۱۴)، بارانی و همکاران (۱۳۹۳) و حجازی و غنی زاده (۱۳۹۷) پیرامون رابطه بین هوش هیجانی، هوش معنوی و هوش اخلاقی با سلامت روان، این یافته را قوت می‌بخشند (۱۸،۲۸،۲۹). در واقع، هوش معنوی می‌تواند با هدف قراردادن باورهای فرد، ارزیابی‌های شناختی مهم را در فرایند مقابله تحت تأثیر قرار می‌دهد و به فرد کمک می‌کند تا وقایع منفی را به شیوه متفاوتی ارزیابی نموده و حس قوی تری از کنترل ایجاد نماید و باعث رضایت از زندگی و افزایش کیفیت زندگی و در نتیجه سلامت روان گردد. همچنین افراد با هوش هیجانی مناسب می‌توانند به وسیله تعاملات بیشتر با دیگران در زندگی موفق باشند. از سویی دیگر، با افزایش میزان هوش فرهنگی بر میزان کیفیت زندگی افزوده می‌شود و برعکس با کاهش میزان هوش فرهنگی از میزان کیفیت زندگی کاسته می‌شود. بنابراین یکی از روش‌های افزایش سلامت روان دانشجویان، افزایش مهارت‌های لازم در زمینه تقویت هوش فرهنگی آنها است. همچنین در تبیین رابطه سلامت روان و هوش اخلاقی و موفق نیز می‌توان گفت که رابطه سلامت روان و هوش اخلاقی نیز امری دو وجهی است. بهبود هوش اخلاقی می‌تواند از راه افزایش فضای همکاری در روابط و انتظارات، مسئولیت‌پذیری و تعهد و توانمندی‌های افراد در زمینه اخلاقی و ایجاد توقع در رفتارهای اخلاقی دانشجویان، علاوه بر بهبود رفتارها، باعث بهبود سلامت روان نیز در افراد می‌گردد.

پژوهش حاضر، همانند هر پژوهش دیگر محدودیت‌هایی داشته است که استفاده از ابزارهای خودگزارشی از جمله آن هاست.

رضایت زندگی ۰/۴۳ و معنادار است. این یافته همسو با مطالعه کائور و سینگ (۲۰۱۳) بود مبنی بر اینکه هوش معنوی می‌تواند موجب افزایش رضایت زندگی در افراد شود (۲۴). در تبیین این یافته می‌توان گفت هوش معنوی موجب می‌شود فرد در برابر رویدادها و حوادث زندگی بینشی عمیق بیابد و از سختی‌های زندگی نهراسد و با صبر و تعمق با آن‌ها مقابله نماید و راه حل‌های منطقی و انسانی برای آن‌ها بیابد. هوش معنوی زیربنای باورهای فرد می‌باشد و موجب اثرگذاری بر عملکرد وی می‌شود؛ به طوری که شکل واقعی زندگی را قالب‌بندی می‌کند. هوش معنوی همچنین لازمه سازگاری بهتر با محیط، رضایت زندگی و سلامت روان است و افرادی که از هوش معنوی بالاتری برخوردارند، تحمل آنان در مقابل فشارهای زندگی بیشتر است و توانایی بالاتری را جهت سازگاری با محیط از خود بروز می‌دهند. یافته‌های این مطالعه نشان داد اثر مستقیم هوش اخلاقی بر رضایت زندگی ۰/۴۰ و معنادار است. این یافته همسو با مطالعه ولی‌الهی (۲۰۱۸) بود که نشان داد بین هوش اخلاقی و رضایت از زندگی رابطه معناداری وجود دارد (۱۷). در تبیین این یافته می‌توان گفت هوش اخلاقی، می‌تواند گستره و ژرفای توانمندی‌های فکری و عاطفی را در همه مراحل و ابعاد زندگی نمایان ساخته و نیکی و نیک خلقی را پدید آورد. هوش اخلاقی توان تشخیص درست از نادرست است؛ یعنی داشتن اعتقادات اخلاقی محکم و عمل کردن بر طبق آن‌ها به گونه‌ای که شخص رفتاری درست و محترمانه داشته باشد که آغازگر رضایت از زندگی فرد می‌باشد. یافته‌های این مطالعه نشان داد اثر مستقیم هوش فرهنگی بر رضایت زندگی ۰/۴۰ و معنادار است. این یافته همسو با مطالعه دی‌سیستو و دیکینسون (۲۰۱۹) بود مبنی بر اینکه هوش فرهنگی به افراد کمک می‌کند راهبردهای مناسبی را اتخاذ کنند تا عملکرد بهتری در زندگی خود داشته باشند (۲۷). در تبیین این یافته می‌توان گفت هوش فرهنگی یک قابلیت فردی برای درک، تفسیر و اقدام اثربخش در موقعیت‌هایی دانسته شده است که از تنوع فرهنگی برخوردارند و با آن دسته از مفاهیم مرتبط با هوش سازگار است که هوش را بیشتر از یک توانایی شناختی

"این مقاله مستخرج از رساله دکترای تخصصی نویسنده اول در واحد تنکابن، دانشگاه آزاد اسلامی، تنکابن، ایران می‌باشد." و دارای کد اخلاق IR.IAU.TON.REC.1399.083 از کمیته اخلاق دانشگاه آزاد اسلامی واحد تنکابن می‌باشد. در پایان از تمامی شرکت‌کنندگان در این پژوهش کمال تشکر و قدردانی را داریم.

تعارض در منافع

نویسندگان اظهار می‌دارند هیچ گونه تعارض منافی در مورد این مقاله وجود ندارد.

چنین بر می‌آید که به دلیل پاره ای از مسائل از جمله مسائل فرهنگی برخی از عوامل هوش کمتر مورد توجه و پرورش قرار گرفته اند و از آنجایی که در پیشرفت دانشجویان تمامی ابعاد هوش باید مورد توجه قرار گیرند لذا به برنامه ریزان آموزشی و درسی و همچنین به مدیران و اساتید پیشنهاد می‌شود در محیط های آموزشی شرایطی فراهم شود تا دروس و زمینه های آموزشی پیرامون پرورش انواع هوش صورت گیرد و موجب سلامت روان و رضایت از زندگی بیشتر در دانشجویان شود.

تقدیر و تشکر

References

1. Kvintova, J., & Sigmund, M. (2016). Physical activity, body composition and health assessment in current female University students with active and inactive lifestyles. *Journal of Physical Education and Sport*, 16, 627.
2. Diener, E., Oishi, S., & Lucas, R. E. (2003). Personality, culture, and subjective well-being: Emotional and cognitive evaluations of life. *Annual review of psychology*, 54(1), 403-425.
3. Ilanloo, Hussein; Ahmadi, Siddique; Farahani, Nastaran; Hassani, Mohammad Baqir; Rezaei, Manouchehr (1399). Predicting life satisfaction based on initial maladaptation schemas and lifestyle in nurses. *Journal of Psychological Sciences*. 19 (88). 437-431. (in Persian)
4. Nuradi, Mitra (1400). Relationship between personality traits and social support, life satisfaction and students' academic performance. *Quarterly Journal of Management and Education Outlook*. 3 (2). 17-1. (in Persian)
5. Lukat, J., Margraf, J., Lutz, R., van der Veld, W. M., & Becker, E. S. (2016). Psychometric properties of the positive mental health scale (PMH-scale). *BMC psychology*, 4(1), 1-14.
6. Melton, G. B., Petrila, J., Poythress, N. G., Slobogin, C., Otto, R. K., Mossman, D., & Condie, L. O. (2017). *Psychological evaluations for the courts: A handbook for mental health professionals and lawyers*. Guilford Publications.
7. Sohrabi, M. R., Malih, N., Karimi, H. R., & Hajhashemi, Z. (2019). Effect of general medical degree curricular change on mental health of medical students: a concurrent controlled educational trial. *Iranian journal of psychiatry*, 14(1), 40.
8. Chase, C. R. (2018). The geometry of emotions: Using chakra acupuncture and 5-Phase Theory to describe personality archetypes for clinical use. *Medical acupuncture*, 30(4), 167-178.
9. Zhang, A., Yan, J., Yang, G., Tan, X., Wang, X., & Tan, S. (2018). Life satisfaction and its associated factors among money boys in China. *Public health*, 154, 110-117.
10. Rezaei, Tahereh; Bayani, Ali Asghar; Shariatnia, Kazem (1394). Predicting mental health based on variables of self-esteem, life satisfaction and hope in students. *Health education and health promotion*. 3 (3). 252-242. (in Persian)
11. Nikolaev, B., & Salahodjaev, R. (2016). The role of intelligence in the distribution of national happiness. *Intelligence*, 56, 38-45.
12. Kanazawa, S. (2014). Why is intelligence associated with stability of happiness?. *British Journal of Psychology*, 105(3), 316-337.

13. Cattell, R. B. (1949). *Culture Free Intelligence Test, Scale I: Handbook*. Champaign, Illinois: Institute of Personality and Ability.
14. Kamkari, Kambiz; Afrooz, Gholam Ali (1394). Psychological foundations of intelligence and creativity: history, theories and approaches. Tehran: University of Tehran. (in Persian)
15. Bar-On, R. (1997). The emotional intelligence inventory (EQ-I): Technical manual. *Toronto, Canada: Multi-Health Systems, 211*.
16. Babaei Nadinlui, Karim; Medicine, Hannah; Shariati, Farhad; Zarei, Batool (1392). Comparison of creativity, emotional intelligence and academic achievement in monolingual and bilingual elementary school students. National Congress of Child and Adolescent Psychology. (in Persian)
17. Valielahi, S. (2018). The relationship between moral intelligence and emotional intelligence with life satisfaction. *Opción: Revista de Ciencias Humanas y Sociales*, (15), 1927-1953. (in Persian)
18. Ruiz-Aranda, D., Extremera, N., & Pineda-Galan, C. (2014). Emotional intelligence, life satisfaction and subjective happiness in female student health professionals: the mediating effect of perceived stress. *Journal of psychiatric and mental health nursing*, 21(2), 106-113.
19. Roshanizmirniko, Sepideh; Azad Abdollahpour, Mohammad (1396). The Relationship between Successful Intelligence and Life Satisfaction among Female High School Students in Urmia, National Conference on New Approaches to the Humanities in the 21st Century, Rasht, Imam Sadegh (AS) University, Sisters Campus. (in Persian)
20. Sternberg, R. J., & Grigorenko, E. L. (2000). Practical intelligence and its development.
21. King, D. B. (2009). Rethinking claims of spiritual intelligence: A definition, model, and measure. *Unpublished Master's Thesis, Trent University, Peterborough, Ontario, Canada*.
22. Mahasneh, A. M., Shammout, N. A., Alkhazaleh, Z. M., Al-Alwan, A. F., & Abu-Eita, J. D. (2015). The relationship between spiritual intelligence and personality traits among Jordanian university students. *Psychology research and behavior management*, 8, 89.
23. Marashi, Seyed Ali; Mehrabian, Tahereh; Musliman, Mahsa (2016). Investigating the relationship between personality traits and spiritual intelligence with life satisfaction in employees of an industrial company in Ilam province. *Military care sciences*. 3 (1). 54-48. (in Persian)
24. Kaur, G., & Singh, A. (2013). Relationship among emotional intelligence, social Intelligence, spiritual Intelligence and life satisfaction of the cher trainees. *Int J Teach Edu Res*, 2(7), 23-9.
25. Lennick, D., & Kiel, F. (2005). Linking strong moral principles to business success. *Pennsylvania, Wharton School of the University of Pennsylvania*.
26. Earley, P. C., & Ang, S. (2003). Cultural intelligence: Individual interactions across cultures.
27. De Sisto, M., & Dickinson, G. (2019). Investigating Strategies for Developing Cultural Intelligence: A Creative. *Transformations in Tertiary Education: The Scholarship of Engagement at RMIT University*, 145.
28. Barani, Azam; Artists, Nazanin; Ardalani, Laden; Rezaei Robini, Zahra (1393). Investigating the relationship between spiritual intelligence and mental health and marital satisfaction in couples in Marvdasht. The first national conference on educational sciences and psychology of spirituality and health. *Bandargaz*. (in Persian)
29. Hejazi, Assad; Ghanizadeh, Mehri (1397). Analyzing the relationship between moral intelligence and mental health of school teachers. *Ethics in science and technology*. 13 (2). 107-99. (in Persian)
30. Motovalian, Seyed Mehdi; farima, dokoshkani; Yahya Zadeh Jelodar, Suleiman (1398). Survey of life satisfaction among students of Mazandaran University and its relationship with personality dimensions. *Journal of Cognitive Psychology and Psychiatry*. 6 (1). 34-23. (in Persian)
31. Diener, E. D., Emmons, R. A., Larsen, R. J., & Griffin, S. (1985). The satisfaction with life scale. *Journal of personality assessment*, 49(1), 71-75.
32. Bayani, Ali Asghar; Little, Ashour Mohammad; Goodarzi, Hassania (1386). Validity of the Life Satisfaction Scale (SWLS). *Transformational Psychology (Iranian Psychologists)*. 3 (11). 265-259. (in Persian)
33. Ismail Nia, Saeed; Sarami, Gholamreza; Bani Jamali, Shokooh Sadat (1398). Relationship between successful intelligence and wisdom with learning English in male and female students of Ghaemshahr, Babol, Sari. *Education Strategies in Medical Sciences*. 12 (4). 168-159. Validity and Validity of General Health Questionnaire (G.H.Q). (in Persian)

34. Raghbi, Maeda; Siadat, Seyed Ali; Hakiminia, Behzad; Ahmadi, Seyed Jafar (1389). Validation of King Spiritual Intelligence Scale (SISRI-24) in Isfahan University students. *Journal of Psychological Achievements*. 17 (1). 164-141. (in Persian)
35. Bahrami, Mohammad Amin; Asmi, Maryam; Fatahpanah, Azadeh; Dehghani Tafti, Arefeh; Ahmadi Tehrani, Gholamreza (1391). Level of moral intelligence of faculty members and staff of Shahid Sadoughi University of Medical Sciences, Yazd. *Ethics and history of medicine*. 5 (6). 95-81. (in Persian)
36. Kazemi, Masoumeh (1387). Investigating the relationship between cultural intelligence and the performance of the employees of Al-Mustafa Al-Alamiyah Society. Master Thesis. University of Tehran. (in Persian)
37. Goldberg, D., & Williams, P. (2000). General health questionnaire (GHQ). *Swindon, Wiltshire, UK: nferNelson*.
38. Taqghavi, Seyed Mohammad Reza (1380). Evaluation of validity and validity of general health questionnaire. *Psychology*. (20). 398-381. (in Persian)
39. Tabatabai, Shahnaz; Rasooli, Zeinab (1397). Assessing the validity and reliability of the Persian version of the General Health Questionnaire (GHQ-60) in the staff of the industrial sector. *Occupational health in Iran*. 15 (3). 54-45. (in Persian)

*Original Article***Development of life satisfaction model based on types of intelligence mediated by mental health in students of Islamic Azad University, Tonekabon Branch**

Received: 29/03/2021 - Accepted: 09/11/2021

Hossein Haddadi Moghaddam¹
Shahnam Abolghasemi^{2*}
Taher Tizdast³

¹ PhD student General Psychology ,
Department of Psychology , Tonekabon
Branch , Islamic Azad University,
Tonekabon , Iran.

² Associate Professor ,Department of
Psychology , Tonekabon Branch ,
Islamic Azad University , Tonekabon ,
Iran.(Corresponding author)

³ Assistant Professor, Department of
Psychology, Tonekabon Branch,
Islamic Azad University, Tonekabon,
Iran.

Email:
sh.abolghasemi@toniau.ac.ir

Abstract

Introduction: The aim of this study was to determine the relationship between types of intelligence (general intelligence, emotional intelligence, successful intelligence, spiritual intelligence, moral intelligence and cultural intelligence) and life satisfaction mediated by mental health in students.

Materials and Methods: The method of the present study was correlation. The statistical population of this study included all students of Tonekabon Azad University in the academic year 1399-1399 in the number of 4416 people. The sample of this study included 200 people from the mentioned community who were selected using non-random and available sampling method. Data collection tools included Life Satisfaction Scale of Diner et al. (1985), Cattell Culture (1949) General Intelligence Test (Bar9-On Emotional Intelligence Test) (1997), Sternberg and Grigorenko Success Intelligence Questionnaire (2000), Intelligence Questionnaire Spiritual King (2009), Link and Kiel (2005) Moral Intelligence Questionnaire, Early & Ang (2003) Cultural Intelligence Questionnaire, and Goldberg & Hiller (1979) General Health Questionnaire.

Results: Data analysis using structural equation modeling showed that the direct effect of mental health on life satisfaction was significant (0.69) ($p < 0.05$). The direct effect of intelligence on life satisfaction is 0.37 and significant ($p < 0.05$). Also, there is a significant relationship between general intelligence and mental health ($p < 0.05$).

Conclusion: The results of this study showed that mental health has a mediating role in the relationship between intelligence and life satisfaction of students. And increase student life satisfaction.

Key words: Mental Health, Intelligence, Life Satisfaction